

عوامل شادی آفرین در میان بسیجیان*

نویسنده: داریوش یعقوبی^۱ و محمد خیرخواه^۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۵/۵/۳

تاریخ دریافت: ۸۵/۴/۳۱

فصلنامه مطالعات بسیج، سال یازدهم، شماره ۳۹ تابستان ۱۳۸۷

چکیده

پژوهش حاضر به منظور معرفی عوامل شادی آفرین در میان جوانان بسیجی انجام شده است. در واقع، تلاش می‌کند ضمن معرفی عوامل مؤثر بر شادی، ویژگی‌های بسیجی شاد و با نشاط را نیز مطرح کند. این پژوهش با روش پیمایش و در ده استان کشور به عنوان استانهای نمونه به اجرا درآمده است. یافته‌های پژوهش که حاصل تحلیلهای آماری گوناگون هستند، نشان می‌دهند که در مجموع میزان شادی در میان بسیجیان جوان کمی بالاتر از حد متوسط است. این نتایج همچنین معلوم می‌دارند که ارتباط قوی با خدا جزء لاینفک الگوی شخصیتی بسیجی شاد است. به علاوه، ورزش، احساس سلامتی، اوقات فراغت مفید، سرمایه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، هدفدار بودن، آرمانگرایی و مشارکت اجتماعی از عوامل مهم شادی آفرین و از عناصر اصلی شخصیت بسیجی شاد می‌باشند.

واژگان کلیدی:

عوامل شادی آفرین، سرمایه اجتماعی، سرمایه سیاسی، آرمانگرایی، اوقات فراغت.

* مقاله حاضر برگرفته از طرح تحقیقاتی است که در مرکز مطالعات ارتش بیست میلیونی پژوهشکده مطالعات و

تحقیقات بسیج به اجرا در آمده است.

۱. محقق و کارشناس ارشد پژوهشگر اجتماعی.

۲. کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی.

مقدمه

با وجود آنکه انسانها به مکاتب فکری مختلفی تعلق دارند یا به ظاهر اهداف متفاوتی را دنبال می‌کنند، اما در مورد دستیابی به برخی اهداف، وفاق نظر دارند که یکی از آنها شادی طلبی است. همه انسانهای سالم، زندگی پرنشاط را دوست دارند؛ زیرا شادی و نشاط یکی از نیازهای اساسی روان آدمی است. در واقع؛ شادی موهبت بزرگی است که آثار بسیار مهمی در حیات فردی و اجتماعی انسانها به جا می‌گذارد؛ زیرا نه تنها از بروز بسیاری از مشکلات روانی مربوط به زندگی ماشینی دنیای معاصر پیشگیری می‌کند، بلکه انرژی عاطفی قابل ملاحظه‌ای نیز در انسان ایجاد می‌کند که زندگی را برای او مطبوع ساخته و آثار منفی ناکامی‌ها، ناامیدی‌ها و عواطف منفی را بی اثر یا کم اثر می‌سازد. باتوجه به این پیامدهاست که دولتها در برنامه ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود، به مسئله شادی در میان گروههای اجتماعی توجه ویژه‌ای دارند تا بهداشت روانی جامعه دچار نقصان نگردد.

بنابراین بررسی مسئله شادی و ارائه عوامل مؤثر بر آن به منظور بالا بردن سطح شادی و نشاط در میان بسیجیان بسیار مهم خواهد بود. بسیجیان شاد به خاطر داشتن روان و افکار سالم نه تنها می‌توانند به وظایف خود در دفاع از انقلاب و ارزشهای فرهنگی آن به درستی و با کارآمدی عمل کنند، بلکه می‌توانند الگوی شخصیتی مناسبی برای جوانان دیگر باشند.

جوامع بشری، برای دستیابی به شادی، برنامه‌ها و شیوه‌های گوناگونی را (صرف نظر از مناسب یا نامناسب بودن آنها) ارائه و تجربه کرده‌اند. دین اسلام نیز که جامع‌ترین ادیان الهی است، در راستای توجه به نیازهای بشری و ایجاد زمینه‌های کمال برای او به موضوع شادی توجه دارد.

مقاله حاضر می‌کوشد با استفاده از تحقیقات و نظریات موجود درباره موضوع و نیز نتایج حاصل از آزمون تجربی این نظریات، عوامل و متغیرهای شادی آفرین را معرفی کند تا بتوان شخصیتی را به تصویر کشید که مرجعی برای الهام و مبنایی برای برنامه ریز باشد. بدین منظور با استفاده از پرسشنامه، داده‌های مورد نظر از جامعه آماری گردآوری

شده است. جامعه آماری شامل کلیه برادران و خواهران بسیجی ۱۵ تا ۲۹ ساله است که در پایگاههای مختلف فعالیت می کنند. برای انتخاب نمونه، از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای استفاده شده است. بدین ترتیب که ابتدا ده استان به عنوان استانهای نمونه و سپس در هر استان، مرکز آن استان و یک شهر دیگر انتخاب و در مرحله بعد در این شهرها پایگاههای نمونه برگزیده شده و در نهایت، در پایگاههای نمونه، افرادی که واجد شرایط بودند با روش تصادفی و به عنوان نمونه و پاسخگو گزینش شدند و اطلاعات مورد نظر از آنها گرفته شد.

قبل از مشخص کردن عوامل شادی آور، ابتدا به چستی، محتوا و ابعاد شادی اشاره می شود. بررسی های نظری و تجربی برای این تعریف اتفاق نظر دارند که شادی عبارت است از: راضی بودن از زندگی و داشتن حالت خوشحالی و سرور. در این بررسی ها ملاحظه می شود که مفهوم شادی تا حدودی، دو بعد جداگانه شناختی و هیجانی دارد (آرگایل، ۱۳۸۲ و آیزنک، ۱۳۷۵ و Joseph & Lewiss, 1998). در واقع؛ رضایت، جنبه شناختی و لذت، و سرور و نشاط، جنبه هیجانی مفهوم شادی تشکیل می دهند. مقاله حاضر دو بعد مذکور را به عنوان عناصر تشکیل دهنده مفهوم شادی در نظر گرفته و مورد بررسی و تحلیل قرار می دهد. بعد از گردآوری پرسشنامه ها داده های موجود در این پرسشنامه ها استخراج و تحت نرم افزار SPSS و با روشهای آماری مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

عوامل شادی

بحثی که در ذیل ارائه می شود مبتنی بر داده های تجربی پژوهشی است که با روش پیمایش و جهت معرفی عوامل شادی آفرین در میان جوانان بسیجی صورت گرفته است. دستاوردهای نظری پژوهش شامل ایده ها و قضایایی است که توسط آزمونها و روشهای آماری مورد تأیید قرار گرفته اند. ایده های اصلی مورد آزمون، از رویکردهای مختلفی استخراج شده اند که پیرامون موضوع شادی ابراز نظر کرده اند. عمده ترین دیدگاههایی که این مقاله از آنها بهره گرفته، نظریات اسلامی و تئوری های مبتنی بر انواع سرمایه است. ضمن اینکه به احادیث و روایات متعددی نیز مراجعه شده است.

- قبل از پرداختن به مباحث اصلی، ابتدا باید به چند یافته اشاره شود:
۱. سنجش شاخص شادی در میان جوانان بسیجی نشان می‌دهد که میانگین این شاخص کمی بالاتر از حد متوسط است.
 ۲. بسیجیان جوان عادی و فعال از نظر میزان شادی تقریباً وضعیت مشابهی دارند. به عبارت دیگر؛ نوع عضویت بسیجیان تأثیری در شادی آنها نداشته است.
 ۳. بین بسیجیان جوان متأهل و مجرد از نظر شادی تفاوت معنی داری وجود ندارد.
 ۴. جنسیت بسیجیان جوان بر میزان شادی آنها تأثیری نداشته است و از این لحاظ تفاوت معنی داری بین دو جنس وجود ندارد.
 ۵. از نظر میزان شادی، تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین بسیجیان شاغل، محصل و دانشجو دیده نمی‌شود، اما بسیجیان جوان بیکار، اندکی افسرده‌تر از گروه‌های دیگر هستند.
 ۶. سطح تحصیلات بسیجیان تأثیری بر میزان شادی آنها ندارد.
 ۷. به لحاظ میزان شاد بودن، تفاوت چندانی بین بسیجیان با مدت فعالیت متفاوت وجود ندارد.
 ۸. شادی بسیجیان مورد بررسی به سن و درآمد آنها ارتباطی ندارد.
- باتوجه به این نتایج می‌توان ادعا کرد که کمیت به دست آمده در مورد شاخص شادی، بیانگر وضعیت کلی جامعه آماری است؛ زیرا تغییر شاخص شادی بر حسب متغیرهای زمینه‌ای، به لحاظ آماری با اهمیت و معنی دار نیست. بنابراین قضایا و ادعاهایی که در ادامه مطرح خواهد شد، بدون توجه به متغیرهای زمینه‌ای قابل تعمیم به جامعه آماری خواهد بود.

رویکرد اسلامی

دین مبین اسلام به عنوان کامل‌ترین ادیان الهی، در تمامی حوزه‌های حیات اجتماعی، قواعد و راهنمایی‌های روشنی را برای سعادت و کمال بشر ارائه کرده است که موضوع شادی نیز از آن جمله است. با بررسی آثار و روایات اسلامی می‌توان متغیرها و عوامل زیادی را در ارتباط با موضوع شادی از آنها استخراج کرد، اما در اینجا به چند متغیر مهم

که دیدگاه اسلامی در پژوهشهای دیگر نیز مورد تأکید قرار گرفته‌اند مطابق یافته‌های پژوهش حاضر جزء عوامل مؤثر بر شادی محسوب می‌شوند، اشاره خواهد شد.

ذکر و یاد و خدا

هرچه جوانان بسیجی در زندگی خود بیشتر با خدا خلوت کرده و او را ذکر می‌گویند خرسندتر و با نشاط‌تر می‌شوند. این رهنمود نه تنها در روایات اسلامی و به صورت نظری مورد تأکید قرار گرفته، بلکه در تحقیقاتی که صرفاً صبغه جامعه‌شناختی یا روانشناختی دارند نیز تأیید شده است. (Polner, 1989, ingelhart, 1986 Elison & Gay, 1989). یاد خدا موجب آرامش روانی جوانان بسیجی شده و در نتیجه، با تقلیل اضطرابها و نگرانی‌های درونی آنها، خشنودی و نشاط آنان را افزایش می‌دهد.

توکل به خدا

بررسی ارتباط این ویژگی با شادمانی بسیجیان جوان به کمک داده‌ها و تحلیلهای آماری حکایت از آن دارد که هرچقدر جوانان در کارها و اجرای برنامه‌های زندگی خود بیشتر به خدا توکل می‌کنند، شادمان‌تر می‌شوند. به بیان دیگر؛ آن گروه از جوانانی که توکل کردن به خدا در میان آنها نهادینه شده و به صورت فرهنگ رایج درآمده، با نشاط‌تر از گروههای دیگر هستند.

انفاق در راه خدا

این خلق حسنه اسلامی که در آموزه‌های دینی مورد تأکید فراوان قرار گرفته است علاوه بر آثار مختلف اجتماعی، تأثیر قابل توجهی نیز روی ایجاد شادی در انسان دارد. بررسی حاضر نشان می‌دهد که آن عده از جوانان بسیجی که نسبت به دیگران فرصت بیشتری برای انفاق پیدا می‌کنند و بیشتر به این عمل خدا پسندانه دست می‌زنند، شادتر و با نشاط‌تر از کسانی هستند که فرصت کمتری داشته و کمتر به این عمل اقدام می‌کنند.

این یافته در آثار پژوهشگران غیر مسلمان نیز مشاهده می‌شود. آنها نیز تأیید می‌کنند که انجام کارهای داوطلبانه‌ای که بدون هیچ چشم‌داشتی، تنها به خاطر رضای خدا صورت می‌گیرند تأثیر شگرفی روی رضایت درونی، آرامش و سرور انسانها دارند. (Argyle & Henderson, 1985; Argyle & Furnham, 1993)

دوستی با خدا

صمیمی بودن با خدا و مهرورزی به او و داشتن این احساس که خداوند در تمامی لحظات، دوست، همراه و یاور انسان است، در روان و کردار آدمی تأثیرات مثبت زیادی را ایجاد می‌کند که در آثار اسلامی به طور مکرر و فراوان از آنها سخن به میان آمده است. نتایج پژوهش، نیز اثبات می‌کند که یکی از اثرات مهم این گونه ارتباط داشتن با خدا، تأثیر آن بر روی شادی است.

تحلیل داده‌ها بازگو کننده این است که هرچه جوانان بیشتر با خدا دوستی می‌کنند، به آرامش و شادی بیشتری دست می‌یابند. بنابراین تقویت ایمان به خدا و ایجاد ارتباط قوی با او و همچنین گسترش احساس همدردی، فداکاری و دیگرخواهی در میان بسیجیان، گامهایی هستند که در جهت پرورش شخصیت‌های شاد و با نشاط می‌توان برداشت.

هدف دار بودن

از جمله نظریات و رهنمودهای مقام معظم رهبری خطاب به جوانان بسیجی، تأکید ایشان بر ارتباط شاد بودن جوانان با هدف دار بودن آنان است. بررسی تجربی این نظریه نشان می‌دهد که داشتن اهداف روشن و شفاف، تأثیر فوق العاده‌ای در شاد بودن جوانان دارد.

تحلیل آماری داده‌های پژوهش حاضر تأکید می‌کند که هرچه جوانان بسیجی در زندگی خود اهداف روشن‌تر و مشخص‌تری داشته باشند، خوشنود تر و با نشاط تر شده و برعکس، هنگامی که اهداف خاصی را در زندگی دنبال نمی‌کنند یا اهدافشان مشخص و

روشن نیست، ناامیدتر و افسرده‌تر می‌شوند. به لحاظ آماری، قوی‌ترین یافته پژوهش حاضر نیز مربوط به همین نظریه است. ($\chi^2 = 548/24, p = 0/000$) لازم به توضیح است که تعریف هدف یا اهداف با معنی، ارزشمند، قابل حصول و محرک از جمله مسائل مهمی است که در نظریه پردازی برنامه‌ریزی برای ایجاد گسترش شادی پایدار باید مدنظر قرار گیرد.

داشتن هدف به تنهایی کافی نیست. جوان بسیجی علاوه بر داشتن اهداف روشن، باید به طور مستمر تلاش کند تا به آنها دست یابد؛ زیرا هرچقدر جوانان بسیجی در جهت نیل به اهداف مشخص و مشروع خود بیشتر تلاش کنند، شادتر می‌شوند. به دیگر سخن؛ تلاش منظم و مستمر فی‌نفسه موجب رضایت درونی و نشاط می‌شود.

نکته دیگری که در ارتباط با نقش اهداف در ایجاد شادی مورد بررسی مقاله قرار گرفته، دستیابی جوانان به اهداف است که موجب خرسندی و نشاط می‌شود. در واقع؛ وقتی جوان بسیجی برای رسیدن به اهدافی خاص به اقدامات مفید و منظمی دست می‌زند و با تلاش به آنها دست پیدا می‌کند، در حد قابل توجهی شاد و مسرور می‌شود. که البته این شادی می‌تواند تداوم زیادی داشته باشد و آنی و زودگذر نباشد؛ زیرا دستیابی به اهداف تعیین شده و احساس موفقیت ناشی از آن باعث ارزیابی‌های مثبت از حیات شده و عواطف مثبت را در افراد افزایش می‌دهد که نتیجه این امر، ایجاد و تداوم خشنودی و سرور در آنهاست. بدین ترتیب مشخص می‌شود که هدف دار بودن و تلاش مستمر در راستای اهداف، از ویژگی‌های مهم جوان بسیجی شاد و پر نشاط است.

آرمان‌گرایی

آرمانها اهداف بزرگ و ارزشهای والایی هستند که می‌توانند انسانها را به فداکاری، تلاش و حرکت وادار سازند. البته بحث آرمان‌گرایی را با بحث مربوط به هدف دار بودن که در بالا به آن اشاره شد، نباید یکسان در نظر گرفت؛ زیرا این دو کمی با هم تفاوت دارند؛ گرچه ممکن است به لحاظ ماهوی یکسان باشند. در واقع؛ منظور از

هدف‌دار بودن، داشتن آن عده از اهدافی است که در جریان زندگی و طی دوره‌های زمانی کوتاه مدت قابل حصول هستند، در حالی که آرمانها به اهدافی در مقیاس بزرگ‌تر و مهم‌تر اشاره می‌کنند؛ یعنی اهداف و ارزش‌هایی که می‌توان آنها را علت تشکیل یک جمع و برنامه‌ریزی‌های طولانی مدت محسوب کرد.

در بررسی ارتباط آرمانگرایی با شادی معلوم می‌شود که آرمانگرا بودن نیز تأثیر معنی‌داری در شادی و نشاط بسیجیان دارد ($\chi^2 = 148/74, p = 0/000$). در واقع؛ داشتن آرمانهای بزرگ، شور و انرژی و وصف ناپذیری در جوانان ایجاد می‌کند و آنها را مصمم می‌سازد تا در مسیر تحقق اهداف بزرگ دست به فعالیت‌های ارزشمند بزنند و از انجام چنین فعالیت‌هایی لذت ببرند و احساس رضایت و نشاط کنند. البته نقش آرمانها را برای بسیج باید فراتر از ایجاد رضایت و نشاط در نظر گرفت و این امر فقط به یکی از ابعاد آن است. جوان بسیجی شاد و با نشاط نمی‌خواهد در روزمرگی غرق شود، بلکه به دنبال تحقق آرمانهای باشکوه و انقلابی است.

البته تحقق پذیر بودن یا همخوانی آرمانها با واقعیتها بحث دیگری است؛ در اینجا تأکید بر این است که آرمانگرا بودن فی نفسه شادی آفرین است؛ زیرا نه تنها خود آرمان به عنوان یک ارزش مقدس، امید بخش و نشاط آور محسوب می‌شود، بلکه حرکت در مسیر یک آرمان و فداکاری، ایثار و از خودگذشتگی در جهت تحقق آن، مواردی هستند که ذاتاً می‌توانند برای جوانان لذت بخش و نشاط آفرین باشند.

رویکرد مبتنی بر انواع سرمایه

این پژوهش پنج نوع سرمایه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و روانشناختی را در نظر گرفته و ارتباط آنها را با شادی مورد بررسی قرار داده و فرضیات مختلفی را نیز به آزمون گذارده است. یافته‌هایی که در این قسمت به آنها اشاره می‌شود بازگو کننده فرضیاتی هستند که به لحاظ آماری مورد تأیید قرار گرفته‌اند.

مطابق این یافته‌ها معلوم می‌شود که تراکم سرمایه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و

روانشناختی در جوانان بسیجی، سلامت روانی آنها را بهبود بخشیده و منجر به شادی (سرور و رضایت) آنها می‌شود.

سرمایه فرهنگی

منظور از سرمایه فرهنگی، دسترسی و استفاده از کالاهای، امکانات و فرصتهای فرهنگی و کسب دانش، اطلاعات و مهارت ناشی از اینگونه بهره‌مندی‌های فرهنگی است. در واقع؛ این بعد از سرمایه، به معرفت بشری مربوط می‌شود که قابل تبدیل به سرمایه‌های دیگر نیز می‌باشد.

در این بررسی، سرمایه فرهنگی به دو بخش ذیل تقسیم شده است:

الف) سرمایه فرهنگی بیرون سازمانی:

شامل آن بخش از سرمایه فرهنگی است که جوانان بسیجی در بیرون از سازمان بسیج به دست می‌آورند؛ مثل تحصیلات، کسب اطلاعات از طریق رسانه‌ها، دستیابی به دانش و معلومات به وسیله مطالعه کتاب و....

ب) سرمایه فرهنگی درون سازمانی:

این بخش به فرهنگی اشاره دارد که در درون سازمان بسیج به جوانان منتقل می‌شود. بررسی بخش اول سرمایه فرهنگی نشان می‌دهد که مطالعه آزاد (مطالعه کتاب و روزنامه و...) تأثیر قابل ملاحظه‌ای در افزایش شادی بسیجیان جوان دارد. در ادبیات تحقیق نیز یافته‌های متعددی تأکید می‌کنند که دانش و معرفت فی نفسه موجب شادی خاطر می‌شود، (Hosen:2003). بنابراین می‌توان چنین توضیح داد که مطالعه کتاب و نشریات می‌تواند دانش و اطلاعات گوناگون و مفیدی را به جوانان منتقل کرده و از این طریق، احساس شادی و رضایت آنها را افزایش دهد.

بدین لحاظ مشخص می‌شود که مطالعه آزاد و تلاش برای فرهیختگی باید بخشی از برنامه‌های زندگی یک جوان بسیجی شاد باشد.

سرمایه فرهنگی درون سازمانی نیز که با معرفت‌های آموزش سیاسی و اخلاقی،

عملیاتی شده است، تأثیر مشابهی روی شادی بسیجیان می‌گذارد. در بررسی حاضر مشخص می‌شد که بین جوانانی که به میزانهای متفاوت از آموزشهای سیاسی و اخلاقی ارائه شده در پایگاهها استفاده می‌کنند، به لحاظ شادی تفاوت معنی داری وجود دارد. این یافته تأکید می‌کند که کلاسهای مربوط به آموزشهای سیاسی و اخلاقی نقش و کارکرد مثبتی را ایفا می‌کنند. در واقع؛ شرکت در دوره‌های آموزشی و کلاسهای مختلف به سه طریق می‌تواند شادی جوانان بسیجی را افزایش دهد:

۱. آموزش، مهارتها و قابلیت‌های جوان از جمله مهارتهای اجتماعی او را افزایش داده و موجب افزایش اعتماد به نفس، خشنودی و نشاط می‌شود.

۲. آموزش، شناخت و دانش قابل توجهی به جوانان بسیجی می‌دهد که می‌تواند با پاسخگویی به سؤالات جوان موجب آرامش و مسرت خاطر آنان شود. ضمن اینکه خود کسب معرفت ذاتاً شادی آفرین است.

۳. شرکت در کلاسهای مختلف؛ فرصت خوبی برای برقراری ارتباطات اجتماعی مفید ایجاد می‌کند و از این طریق نیز رضایت و نشاط شرکت کنندگان را افزایش می‌دهد.

بنابراین بسیجی جوان جهت شاد زیستن نیازمند آموزشهای مختلف و مفید از جمله آموزشهای سیاسی و یادگیری های اخلاقی است.

سرمایه روانشناختی

این نوع سرمایه شامل ابزارها و توانایی های بالقوه‌ای است که جنبه زیست شناختی داشته و در چارچوب جسمی - روانی انسان جای می‌گیرند که بعضی از محققان به آن سرمایه فیزیکی نیز می‌گویند. این سرمایه را می‌توان به وسیله تعیین کننده‌های ذیل، عملیاتی و بررسی کرد:

- استعداد برای کسب مهارت؛
- ظرفیت برای دلخوش بودن؛

• سطح انرژی؛

• ظرفیت برای خود تنظیمی احساسی. (Hosen, 2003)

همه ویژگی های فوق نشانگر قابلیت هایی است که به میزانهای مختلف در وجود آدمی به ودیعه گذارده شده است. با وجود این بشر می تواند با آموزش مهارت های خاص، این ظرفیتها را افزایش دهد. با توضیح فوق و با توجه به ماهیت سرمایه روانشناختی و معرفت های آن، حال ادعا این است که سرمایه مذکور سلامت روانی افراد را تضمین کرده و موجبات شادی آنان را فراهم می سازد. در بررسی حاضر مشخص می شود که هر چه جوانان بیشتر احساس سلامتی کنند و ظرفیت بالایی در خود تنظیمی احساسی داشته باشند، شادتر و با نشاط تر خواهند بود؛ ($\chi^2 = 216/27, p = 0/000$) و ($\chi^2 = 130/21, p = 0/000$). بدین لحاظ تلاش برای افزایش سلامت بسیجیان و آموزش مهارت های ویژه جهت افزایش توانمندی آنها در کنترل و تنظیم احساسات، موجب خشنودی و سرور آنها در حیات فردی و اجتماعی می شود. با این اوصاف معلوم می شود که در بحث شادی، توجه به وضعیت جسمانی و روانی بسیجیان جوان نیز دارای اهمیت بسزایی است.

سرمایه سیاسی

این سرمایه بیشتر به آن دسته از پیوندهای روانی - اجتماعی متقابل که بین شهروندان و نهادهای سیاسی و مسئولان وجود دارد اشاره می کند (Hosen, 2003) در واقع سرمایه سیاسی می تواند توضیح دهد که افراد، سازمانها و گروه های مختلف اجتماعی از چه میزان قدرت سیاسی برخوردارند و چقدر خود را در تعیین حرکت کلی سیاست حاکم بر جامعه مؤثر می دانند. همچنین سرمایه سیاسی نشان می دهد که افراد نسبت به نهادهای سیاسی چه میزان وابستگی عاطفی - احساسی دارند.

در بررسی ارتباط سرمایه سیاسی و موضوع شادی، این ادعا مطرح می شود که هر چه افراد و گروه های اجتماعی جامعه ای از سرمایه سیاسی بالایی برخوردار باشند، رضایت

سیاسی بیشتری کسب کرده و در نتیجه زندگی پر نشاط تری خواهند داشت. در پژوهش حاضر جهت بررسی این فرضیه در میان بسیجیان، مفهوم سرمایه سیاسی به وسیله معرفها و شاخصهای ذیل عملیاتی و بررسی شده است:

- داشتن باورهای سیاسی روشن؛
- احساس تأثیر سیاسی؛
- احساس قدرت سیاسی؛
- احساسات همبستگی با فرماندهان، مسئولان و دیگر اعضای بسیج؛
- ارزیابی از جایگاه بسیج در جامعه.

بررسی معرف نخست، بیانگر این است که روشن و شفاف بودن اعتقادات سیاسی در میان جوانان بسیجی نقش بسزایی در شاد بودن آنها دارد و برعکس؛ یعنی ابهام در باورهای سیاسی آنان موجب بروز اضطراب و احساسات منفی شده و از شادابی و نشاط آنان می‌کاهد.

به نظر می‌آید که ابهام در شناخت و معرفت سیاسی درباره وضعیت جاری، باعث سردرگمی و بلا تکلیفی فکری جوانان بسیجی می‌شود، به ترسها و اضطرابهای درونی آنان دامن می‌زند، اعتماد به نفس آنها را تقلیل می‌دهد و در نهایت، موجب افسردگی آنان می‌شود.

علاوه بر اهمیت شفاف سازی و افزایش دانش سیاسی بسیجیان جوان، پاسخ به این سؤال که آیا بسیجیان خودشان را عنصری فعال و مؤثر در تحولات سیاسی کشور قلمداد می‌کنند یا نه، دارای اهمیت ویژه‌ای است؛ زیرا هنگامی که جوانان احساس می‌کنند در ثبات و تحولات عظیم سیاسی جاری، مفید و مؤثر هستند، در خود ارزیابی از نقش خود، این نقش را مهم تلقی می‌کنند و این امر موجب خرسندی و افزایش نشاط آنان می‌شود.

در خصوص احساس قدرت سیاسی نیز وضعیت مشابهی وجود دارد. آن گروه از جوانانی که احساس قدرتمندی سیاسی بالایی دارند و بقای کلی نظام را به قدرت بسیج منتسب می‌کنند، شادتر و با نشاط تر از جوانانی هستند که کمتر چنین احساسی دارند.

بنابراین، یکی دیگر از ویژگی‌های جوان بسیجی شاد این است که در حد بالایی احساس قدرت سیاسی می‌کند؛ زیرا چنین احساسی عزت نفس جوانان بسیجی را بالا برده و نگرانی و اضطراب را از آنان دور می‌سازد که نتیجه آن، بهبود روحیه و افزایش شادی (رضایت و سرور) جوانان بسیجی خواهد بود.

در چارچوب بحث مطرح شده درباره سرمایه سیاسی، احساس همبستگی و یکدلی جوانان بسیجی با فرماندهان، مسئولان و دیگر اعضای بسیج در سرتاسر کشور اهمیت خاص خود را دارد؛ زیرا این احساس، نقش مهمی را در ارتقای میزان شادی و نشاط در میان جوانان ایفا می‌کند. در واقع؛ بسیجیان نباید احساس دورافتادگی و تنهایی کنند، بلکه باید به این باور برسند که فرد فرد آنها جزئی از یک پیکره عظیم و واحد به نام بسیج هستند؛ زیرا در چنین وضعیتی، احساسات و عواطف مثبت در میان جوانان بسیجی تقویت شده و گسترش می‌یابد و از جمله این احساسات مثبت، رضایت خاطر و شادمانی و سرور است.

مقوله دیگری که به بحث سرمایه سیاسی مربوط می‌شود، ارزیابی جوانان بسیجی از خود و کلیت بسیج است. به کمک این ارزیابی، بسیجیان جایگاه و اهمیت خود و بسیج را در بین مردم مشخص می‌سازند. بدیهی است اگر در ارزیابی آنها سازمان بسیج رتبه بالایی را در جامعه کسب کند، بدین معناست که جوانان بسیجی بر این باورند که اکثریت جامعه سازمان بسیج را پذیرفته و اهمیت و احترام بالایی را برای آن قایل هستند و چون بسیجیان بخشی از هویت خود را در ارتباط با کلیت بسیج تعریف می‌کنند و خود را جزئی از این پیکره بزرگ می‌پندارند، در نتیجه احساس خواهند کرد که خود آنها نیز در نظر مردم با اهمیت و قابل احترام هستند. به دنبال چنین برآوردی، عواطف مثبت در وجود جوانان بسیجی فزونی می‌گیرد. مقبول بودن و پیوند عاطفی و احساسی داشتن با اکثریت جامعه، بر اعتماد به نفس و تعهد این جوانان می‌افزاید و همه آنها منجر به ایجاد رضایت و نشاط در آنان می‌شود. داده‌ها حکایت می‌کنند که تأثیر این گونه ارزیابی‌ها در ارتقای شادی و نشاط بسیجیان به لحاظ آماری معنی دار و قابل توجه است ($R = 0/232, p = 0/000$).

البته باید از دو بعد به این بحث نگاه کرد؛ اول اینکه، ارزیابی مورد اشاره فقط بازگو کننده نگرش بسیجیان در مورد ارتباط بسیج با جامعه است؛ صرف نظر از اینکه درست یا نادرست باشد.

دوم اینکه، به هر حال این ارزیابی از واقعیت‌های موجود تأثیر می‌پذیرد؛ لذا تا حدودی می‌تواند آنها را منعکس سازد. بنابراین، وقتی جایگاه بسیج در ارزیابی جوانان بالا باشد، معنایش این است که پشتیبانی مهم و به عبارتی سرمایه سیاسی قابل ملاحظه‌ای برای جوانان بسیجی وجود دارد.

بدین ترتیب ادعای مطرح شده در مورد نقش سرمایه سیاسی در بهبود وضعیت روانی و افزایش شادمانی و نشاط بسیجیان جوان با توجه به داده‌های موجود و تحلیل مطرح شده، در تمامی ابعاد آن مورد تأیید قرار می‌گیرد. علاوه بر این، بررسی رابط بین شاخص سرمایه سیاسی با شادی، نشان می‌دهد که همبستگی مثبت، مستقیم و معنی داری بین دو متغیر وجود دارد که در حد قابل ملاحظه‌ای است ($R = 0/355, p = 0/000$). بنابراین، در کل می‌توان گفت که جوان بسیجی با نشاط و خوشحال کسی است که در حد بالایی از سرمایه سیاسی برخوردار باشد. به عبارت دیگر؛ هر نوع راهکار منطقی که منجر به تراکم سرمایه سیاسی در نزد بسیجیان گردد، به نحوی به مسرور ساختن و سرزندگی آنان مدد می‌رساند.

سرمایه اجتماعی

این سرمایه به شبکه‌های اجتماعی، پیوندهای احساسی بین افراد و هنجارهای رابطه‌ای اشاره می‌کند (Hosen, 2003)؛ روابطی که غیر اقتصادی بوده و افراد در جریان آن به نفع یکدیگر، کنشهایی را انجام می‌دهند. این کنشها ممکن است مبتنی بر آداب و رسوم و خویشاوندی باشد یا بر اساس اهداف مشترک موجود صورت پذیرد که البته در برخی از انواع گروه‌های اجتماعی این چنین است.

بنابراین، عنصر اصلی مفهوم مرکب سرمایه اجتماعی را رابطه اجتماعی تشکیل

می‌دهد. بدین لحاظ در مقاله حاضر، سرمایه اجتماعی بسیجیان با معرّفهای ذیل عملیاتی شده است:

- رابطه با رهبری؛
- تعهد به بسیج؛
- اعتماد به فرماندهان و مسئولان؛
- حمایت هیجانی از جوانان بسیجی در پایگاهها؛
- رابطه با بسیجیان دیگر؛
- رابطه با مردم؛
- احساس حمایت مالی.

بحث سرمایه اجتماعی از مباحث نظری غنی در جامعه شناسی و روانشناسی اجتماعی است. لکن، پژوهش حاضر فقط نقش آن را در ایجاد شادی مد نظر قرار داده است بدین علت که روابط اجتماعی یکی از بزرگ‌ترین منابع شادی به شمار می‌روند. برای مثال ارتباط با دوستان، نقش فوق‌العاده‌ای در کسب شادی دارد (Larson, 1990 & Weiss, 1973) در واقع؛ انسانها برای گریز از تنهایی، به ارتباطات صمیمانه و شبکه روابط اجتماعی محتاج هستند. چنین شبکه‌هایی برای حفظ هویت و عزت نفس افراد اهمیت ویژه‌ای دارند و می‌توانند کمک و حمایت اجتماعی برای آنها فراهم آورند؛ حمایتی که موجب افزایش رضامندی و نشاط می‌شود. (Argyle & Henderson, 1985)

حال باید دید که آیا واقعاً بین معرّفها و ابعاد سرمایه اجتماعی بسیجیان جوان و شادی و نشاط آنها همبستگی و ارتباطی وجود دارد یا نه.

این بررسی نشان می‌دهد که رابطه جوانان بسیجی با مقام معظم رهبری تأثیر فوق‌العاده‌ای بر روی شادی آنها می‌گذارد. جوانانی که فرمایشات و نظریات رهبری را با علاقه بیشتری دنبال می‌کنند و درباره آنها اندیشه و با دیگران تبادل نظر می‌کنند، با نشاط‌تر از کسانی هستند که کمتر در جریان این مباحث قرار می‌گیرند. در واقع؛ تحلیل مقام معظم رهبری از وضعیت جاری، حیات اجتماعی، تحولات سیاسی و شرایط موجود،

به نیازهای فکری و ایدئولوژیک جوانان بسیجی پاسخ می‌دهد. تحلیل و روشنگری‌های مقام معظم رهبری به آرا و عقاید میلیون‌ها بسیجی استحکام بخشیده و موجب می‌شود آنها احساس کنند محق هستند و در راه درست گام بر می‌دارند و اعمال و کردار سیاسی و انقلابی‌شان صحیح و آینده‌متعلق به آنان است. در چنین وضعیتی، اعتماد به نفس و امیدواری این جوانان افزایش پیدا کرده و احساس آرامش، اطمینان، رضایت و نشاط می‌کنند.

در همین راستا، ارتباط قوی بسیجیان با فرماندهان و مسئولان بسیج و اعتماد بالا به آنها نیز نتیجه‌مشابهی را برای بسیجیان به ارمغان می‌آورد. این یافته تأکید می‌کند که بحث اعتماد در بسیج، از مباحث مهم و از عوامل اساسی شادی آفرین است. اعتماد به فرماندهان موجب می‌شود که جوانان با صداقت و خلوص نیت بیشتری خود را در اختیار بسیج قرار دهند و در نتیجه از همکاری با بسیج احساس رضایت کنند. چنین اعتمادی سبب می‌شود که جوانان در ارائه خدمات و فداکاری‌های خود و حمایت از نظام، دچار تردید یا اضطراب نشوند. بنابراین چیزی که آنها در این ارتباط به دست می‌آورند، رضایت از فعالیت و شادمانی است.

داده‌های موجود در خصوص تعهد جوانان به کلیت بسیج، حاکی از آن است که هر چه جوانان بسیجی تعهد بیشتری نسبت به بسیج داشته باشند به طور قابل ملاحظه‌ای از نشاط و خشنودی بیشتری برخوردار می‌شوند ($\chi^2 = 123/21, p = 0/000$)؛ زیرا وقتی متعهدانه در پایگاه‌های بسیج فعالیت می‌کنند به معنای آن است که با احساس قوی، رضایت و علاقه‌مندی بالا به این مهم می‌پردازند. در چنین شرایطی، فعالیت آنان، لذت‌بخش و نشاط‌آور می‌شود. در واقع؛ تعهد بالا نسبت به بسیج کمک می‌کند که جوانان بخشی از هیجان طلبی خود را به صورت تحقق ایشار طلبی ارضا کنند و بدین لحاظ به رضایت و خوشحالی برسند. بنابراین، افزایش تعهد جوانان نسبت به بسیج را می‌توان به منزله گسترش شادی و نشاط در میان آنها دانست.

یکی دیگر از معرف‌های سرمایه اجتماعی بسیجیان، رابطه آنها با همکاران بسیجی است.

همان طور که اشاره شد، روابط اجتماعی از منابع مهم شادی محسوب می‌شوند. ضمن اینکه روابط اجتماعی سالم، از نیازهای اساسی انسان است. بدین لحاظ، چگونگی رابطهٔ جوانان بسیجی با دیگر بسیجیان فعال در پایگاهها می‌تواند دارای اهمیت باشد؛ زیرا هم ممکن است موجب مسرت خاطر شود و هم احتمال دارد نتیجهٔ عکس داشته باشد. در مکانهایی که جوانان به عنوان بسیجی در یک سری از فعالیتهای شرکت می‌کنند ممکن است روابط صمیمانه‌ای با یکدیگر برقرار سازند. در این صورت آنها می‌توانند در جریان کنش متقابل به طور کلامی و با تشویق کردن، تقدیر کردن، موافقت کردن و تأیید کردن به یکدیگر پاداش دهند و بدین ترتیب موجب رضایت و نشاط همدیگر شوند. علاوه بر این، با محکم شدن ارتباطات عاطفی بین جوانانی که در پایگاهها فعالیت می‌کنند، آنها می‌توانند در غمها و خوشی‌های یکدیگر شریک شوند و از همه مهم‌تر اینکه جوانان در چنین فضایی این فرصت را به دست می‌آورند که به مبادلهٔ دانش و اطلاعات بپردازند. بدین ترتیب آنها هم به واسطهٔ حمایت احساسی و هم ارائه و دریافت اطلاعات، به رضایت و نشاط قابل توجهی دست پیدا می‌کنند. بنابراین، هر چه کنش و منش جوانان بسیجی برای همدیگر دلپذیرتر و مطلوب‌تر باشد، کیفیت روابط آنها نیز بهتر می‌شود و به واسطهٔ بهبود روابط، آنها می‌توانند زندگی شادتری داشته باشند.

در چارچوب بحث وسیع سرمایهٔ اجتماعی، چگونگی ارتباط بسیجیان با مردم نیز دارای اهمیت است؛ زیرا این ارتباط می‌تواند در اضطراب یا نشاط و رضایت جوانان بسیجی نقش مهمی ایفا کند. بررسی پژوهش حاضر حکایت از آن دارد که جوانان بسیجی باید اطمینان حاصل کنند و احساس کنند که خود آنها و فعالیتهایشان مورد پذیرش و تأیید مردم هستند؛ زیرا وقتی این جوانان احساس می‌کنند که فعالیتهای و تلاشهایی که در دفاع از انقلاب و ارزشهای فرهنگی یا هر فعالیت دیگری که به عنوان بسیجی انجام می‌دهند از طرف اکثریت جامعه پذیرفته شده و مورد تقدیر قرار می‌گیرد و به عبارت دیگر؛ جامعه بر خدمات و تلاشهای آنها مهر تأیید می‌زند، آنها نیز احساس شادی می‌کنند. در حالی که اگر بسیجیان در بین مردم احساس غربت کنند و این

احساس را داشته باشند که فعالیتهای آنها بیهوده بوده و موجب خشم و نارضایتی مردم می‌شود، طبیعی است دچار اضطراب، نگرانی و افسردگی شوند و از میزان شادابی و نشاط آنان کاسته شود. داده‌های به دست آمده در این پژوهش تأیید می‌کنند که کیفیت روابط اجتماعی بسیجیان با مردم، تأثیر معنی‌داری در شاد بودن آنها دارد ($\chi^2 = 93/7, p = 0/000$).

یکی دیگر از عواملی که باید مورد اشاره قرار گیرد، میزان حمایت هیجانی پایگاهها از جوانان بسیجی است. گرچه ممکن است ابتدا به نظر برسد که این بحث را می‌توان در چارچوب روابط اجتماعی بسیجیان با همکاران گنجانید، اما در حقیقت کمی با آن متفاوت است. در واقع؛ بحث حمایت هیجانی، به فضای حاکم بر پایگاهها اشاره دارد و صرفاً به روابط اجتماعی بین بسیجیان مربوط نمی‌شود.

بررسی حاضر نشان می‌دهد که هر چه جوانان بسیجی این امکان را داشته باشند که در پایگاههای بسیج هیجانانگیز خود را بیشتر ابراز کنند و از این بابت مورد حمایت قرار گیرند، راضی‌تر و با نشاط‌تر می‌شوند. برای مثال؛ هنگامی که جوان بسیجی با مسئولان و همکاران خود روابط گرم و صمیمی برقرار می‌کند این احساس را به دست می‌آورد که آنها در غم و شادی او شریک هستند، که اگر در عمل نیز این گونه باشد؛ یعنی این جوان هنگام دچار شدن به ناراحتی و اندوه، از طرف همکاران خود با همدردی و حمایت مواجه شود و همچنین هنگام ابراز رفتارهای ناشی از شادی، همراهی و تأیید و حمایت آنها را ببیند، احساس راحتی، آرامش و نشاط خواهد کرد. بنابراین، علاوه بر اینکه کیفیت روابط و کنش اجتماعی جوان با دیگران مهم است، جو حاکم بر پایگاهها و هنجارهای موجود در آنها نیز حائز اهمیت است؛ زیرا این هنجارها موجب شوند که جوان احساس آزادی و نشاط کند یا احساس کند که در بند و فشار است و باید هرچه زودتر از آن خلاص شود.

آخرین عامل مورد بررسی، احساس حمایت مالی است. تحلیل یافته‌های مربوط به این مورد دقت خاصی را می‌طلبد؛ زیرا یافته‌ها نشان می‌دهند. که گرچه وضعیت مالی

بسیجیان روی شاد بون آنها تأثیر چندانی ندارد، اما بسیجیانی که احساس می‌کنند از حمایت مالی برخوردارند و در لحظات سخت زندگی، حامیانی دارند که به یاری آنها بشتابند، در مقایسه با کسانی که چنین احساسی ندارند، از شادی (رضایت و سرور) بیشتری برخوردار هستند. بنابراین اگر بسیجیان اطمینان داشته باشند که هنگام بیماری، وقوع حوادث تلخ در زندگی شخصی و گرفتاری‌های مالی، حامی یا امکاناتی دارند که به آنها مدد می‌رساند، احساس امنیت روانی خواهند کرد و در نتیجه دلهره، اضطراب و افسردگی‌شان نیز کاهش می‌یابد، یا به عبارتی، شادتر خواهند بود. ظرافت توجه به یافته فوق در این است که از طریق پاداش مادی نمی‌توان چنین اطمینانی را در جوانان بسیجی ایجاد کرد؛ زیرا احساس حمایت مالی مقوله‌ای جدا از تأمین نیازهای مادی است. بدین ترتیب مقاله حاضر بر این فرضیه تأکید می‌کند که با افزایش شاخص سرمایه اجتماعی در میان جوانان بسیجی می‌توان بر میزان شادی و نشاط آنها افزود ($\chi^2 = 213/67, p = 0/000$).

نقش برخی عوامل دیگر در ایجاد شادی

علاوه بر عواملی که به آنها اشاره شد، عوامل دیگری نیز می‌توانند در افزایش شادی و نشاط در میان بسیجیان نقش داشته باشند که تعدادی از آنها به شرح ذیل در پژوهش حاضر بررسی و مورد آزمون قرار گرفته‌اند.

مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی آثار زیادی در شخصیت آدمی به جا می‌گذارد. گرچه این بحث در دیدگاه اسلامی مورد اشاره قرار گرفت و مشابهتهایی نیز با بحث روابط اجتماعی در نظریه سرمایه اجتماعی دارد، اما به دلیل روش بررسی خاص این متغیر و ماهیت داده‌های مربوط به آن، به طور جداگانه نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که یکی از آثار مهم مشارکت اجتماعی، تأثیر

آن در ایجاد شادی و نشاط است ($R = 0/15, p = 0/000$). بر اساس این یافته، بسیجیانی که به طور داوطلبانه در انجمنها، نهادها و فعالیتهای مختلف اجتماعی شرکت می‌کنند، در مقایسه با کسانی که مشارکت کمتری دارند، شادتر و با نشاط تر هستند. جوانان بسیجی هنگام حضور در صحنه های مختلف اجتماع و شرکت در نهادها و فعالیتهای عمومی داوطلبانه، فرصت بیشتری پیدا می‌کنند تا با دیگران و اجتماع پیوند بخورند، با موقعیتهای گوناگون آشنا شوند و مهارتهای اجتماعی خود را بهبود بخشند. بسیجیان جوان در این فرایند، احساسات و عواطف مثبتی را در خود پرورش می‌دهند و بدین لحاظ فعالیتهای و کنشهای اجتماعی شان را ارزشمند محسوب می‌کنند و در نتیجه، به این احساس دست می‌یابند که عضوی مفید و مؤثر از اجتماع هستند. طبیعی است در چنین شرایطی، شغف و نشاط، وجود این جوانان را فرا گیرد و آنها را از حیات اجتماعی خود راضی و خرسند کند.

تصوّر از خود

یکی از نکاتی که معمولاً کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، چگونگی تصویری است که افراد یک سازمان از خودشان دارند. این امر ظاهراً کم اهمیت، یکی از ویژگیهای مهم شخصیتی است و تأثیر زیادی در بینش و رفتار آدمی دارد. با این تأکید، بدیهی است که خود پنداری و تصوّر بسیجیان جوان از خودشان را باید با اهمیت تلقی کرد. داده‌های به دست آمده در پژوهش حاضر نشان می‌دهند که چگونگی تصوّر بسیجیان از خود بر روی شادی آنها تأثیر می‌گذارد ($\chi^2 = 109/95, p = 0/000$). در واقع؛ هنگامی که این جوانان خود را ژولیده، اخمو و... تصوّر می‌کنند و ویژگیهای منفی را به خود نسبت می‌دهند، مطابق همین ویژگیها با حیات و پدیده‌های اجتماعی برخورد می‌کنند. به عبارت دیگر؛ کسانی که تصویر مطلوبی از خودشان ندارند، پیرامون خود را نیز مطبوع، مطلوب و دلپذیر نمی‌یابند و در نتیجه، از شادابی و خشنودی آنان نیز کاسته می‌شود.

برنامه های اوقات فراغت

یکی از مباحث جدی جهان صنعتی و از عوامل شادی آفرین، اوقات فراغت مفید است که اکنون به یک صنعت عظیم تبدیل شده است. در واقع؛ برنامه ریزان جهت افزایش نشاط و سرزندگی در میان گروههای اجتماعی همیشه به این مقوله توجه دارند. بسیج نیز این مهم را از نظر دور نداشته است؛ به طوری که برنامه های مختلفی را در ارتباط با آن تدارک دیده است و طی دوره های زمانی خاص به اجرا می گذارد. گرچه هنوز این سؤال بدون جواب مانده که برنامه های اوقات فراغت تا چه میزان می توانند شادی با دوام ایجاد کنند، اما به هر صورت تحلیل داده هایی که در ارتباط با این موضوع گردآوری شده، مشخص می سازند که هر چه جوانان بسیجی از برنامه های ارائه شده توسط بسیج رضایت بیشتری داشته باشند، شادتر و با نشاط تر خواهند بود ($\chi^2 = 96/47, p = 0/000$). به بیان دیگر؛ در صورتی که برنامه های اوقات فراغت بسیج با نیازهای جوانان تناسب داشته و رضایت بخش باشند، می توانند موجب مسرت خاطر شوند. البته نباید تنها نیازها را ملاک قرار داد، بلکه مناسب، سازنده و مفید بودن برنامه ها نیز در کنار نیازها مهم هستند. با وجود این باید توجه کرد که متغیر کلیدی در فرایند تأثیر برنامه ها در شادی، متغیر «رضایت» است؛ زیرا مطابق نتایج، انتظار نمی رود که کمیت اجرای برنامه ها بدون توجه به مسئله رضامندی بسیجیان، شادی آفرین باشد.

بدین ترتیب مشخص می شود که در صورت فقدان برنامه های جذاب، رضایت بخش و نشاط آور برای جوانان بسیجی، ممکن است آنها به دنبال کسب رضایت و شادی، مشتری هجوم عظیم برنامه هایی شوند که در بیرون از بسیج جهت پر کردن اوقات فراغت عرضه می شوند. اما مسئله این است که خیلی از این برنامه ها که خاستگاه آنها دنیای ماشینی غرب است، با روحيات و آموزه های بسیج تعارض دارند.

یکی دیگر از عوامل شادی آفرین که می توان آن را در بحث اوقات فراغت مطرح کرد، ورزش است؛ زیرا علاوه بر این پژوهش، تحقیقات دیگر نیز تأکید می کنند که ورزش نقش بسزایی در بهبود وضعیت روانی و ایجاد شادی و نشاط افراد

دارد. (Sonstroem & Potts, 1996)

بررسی حاضر نشان داد بسیجیانی که به طور منظم ورزش می کنند و به عبارتی؛ ورزش را جزیی از برنامه های زندگی خود محسوب می کنند، به طرز معنی داری با نشاط تر از کسانی هستند که ورزش نمی کنند یا کمتر به این کار دست می زنند ($\chi^2 = 79/98, p = 0/000$). در واقع؛ ورزش با تأثیری که در شرایط جسمانی و فیزیکی افراد می گذارد، سستی را از آنها دور کرده و نشاط را جایگزین می سازد. بنابراین، با توجه به جوان بودن بسیجیان و نیاز مبرم آنان به جنبش، تحرک و نشاط، منظور کردن ورزش در برنامه های اوقات فراغت می تواند بسیار با اهمیت باشد.

نتیجه گیری و پیشنهادها

برای معرفی عوامل شادی آفرین در میان بسیجیان، ارتباط متغیرهای مختلف را با متغیر شادی مورد آزمون آماری قرار داد تا بتواند عواملی را مشخص سازد که نه تنها بر اساس ادعاهای نظری، بلکه به صورت تجربی و عینی و مبتنی بر داده های موجود، موجب ایجاد و افزایش شادی در میان جوانان بسیجی می شوند.

آنچه در ذیل آمده است نتیجه گیری تجربی پژوهش و پیشنهادهای کاربردی است که به وسیله آنها می توان میزان شادی و نشاط را در میان جوانان بسیجی افزایش داد:

۱. غنی کردن فرهنگ دینی جوانان باید به صورت جدی و مستمر تداوم یابد؛ زیرا ذکر و یاد خدا، توکل به خدا و انفاق در راه خدا در زندگی روزمره موجب آرامش، رضایت و نشاط بسیجیان می شود.

۲. بسیج در برنامه ریزی های خود باید اهداف کوتاه مدت مشخص، روشن و قابل تحقق را به صورت دوره ای برای بسیجیان تعریف کند تا تشویق شوند جهت دستیابی به این اهداف تلاش کنند. علاوه بر این، با ارائه مشاوره های مختلف به جوانان کمک شود که در زندگی خصوصی و بیرون از پایگاه نیز اهداف روشن، مشروع و معقولی را انتخاب و دنبال کنند.

۳. باید شرایطی فراهم کرد تا بسیجیان به افرادی مشارکت جو مبدل شوند و از این

طریق، تمایلات ایثارطلبانه خود را ارضا کنند؛ برای مثال، تشکیل انجمنهای مختلف و با مقاصد گوناگون که توسط بسیجیان هدایت و اداره می‌شوند.

۴. محتوای آموزه‌های بسیج باید مبتنی بر آرمانگرایی باشد؛ به طوری که بتوان مطمئن شد که این ویژگی در حد مطلوبی در میان جوانان بسیجی قابل مشاهده است.

۵. باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کرد که فرهنگ مطالعه در میان جوانان بسیجی گسترش یابد. برای رسیدن به این هدف می‌توان برنامه‌های متنوعی را از جمله: تشکیل گروههای مطالعاتی، برگزاری مسابقات کتابخوانی و مقاله نویسی، چاپ مجله و ایجاد سایت و... تدارک دید. این امور منجر به فرهیختگی بسیجیان جوان خواهد شد و گامی در جهت افزایش شادمانی آنها خواهد بود.

۶. باید برگزاری کلاسهای آموزش سیاسی و اخلاقی را با محتوای غنی و در سطوح مختلف در پایگاهها تداوم و گسترش داد.

۷. ورزش را باید امری جدی برای بسیجیان تلقی کرد و اقدامات مؤثری را نیز در این زمینه انجام داد؛ از جمله: تشکیل تیمهای ورزشی، انجام مسابقات ورزشی بین پایگاهها به خصوص در ایام یا فصول خاص، ایجاد شرایط برای استفاده پایگاههای بسیج از باشگاههای ورزشی و غیره.

۸. تدارک برنامه‌هایی برای اوقات فراغت جوانان بسیجی که پاسخگوی نیازهای روانی آنان باشد و موجب رضایت آنها شود.

۹. سلامت جسمانی و روانی بسیجیان باید مورد توجه جدی قرار گیرد. برای این کار می‌توان با ارائه مشاوره‌هایی طی دوره‌های ویژه، توانایی‌های روانی آنان را افزایش داد یا به عبارتی بر سرمایه روانشناختی بسیجیان افزود؛ زیرا احساس سلامتی و بالا بودن ظرفیت خود تنظیمی احساسی، باعث شادی و نشاط می‌شود.

۱۰. با توجه به نقش بسزای سرمایه سیاسی در شادی بسیجیان و معرفهای این شاخص، باید اقدامات مقتضی جهت افزایش سرمایه سیاسی بسیجیان صورت گیرد.

۱۱. با توجه به معرفهای ارائه شده برای سرمایه اجتماعی، باید طی اقدامات معینی، تلاش شود که جوانان بسیجی تا حد ممکن به سرمایه اجتماعی بالایی دست پیدا کنند.

۱۲. با ارائه مشاوره های لازم طی کلاسهای خودسازی، سعی شود که هر گونه تصوّر نامناسب جوانان بسیجی از خود اصلاح شود.

۱۳. احساس حمایت مالی یکی دیگر از نیازهای بسیجیان جهت شاد بودن آنهاست. بنابراین، باید با انجام اقدامات مناسب، به آنها اطمینان داد که در لحظه های سخت زندگی تنها نخواهند ماند. بیمه کردن بسیجیان، تشکیل صندوقهای قرض الحسنه، واگذاری وام ازدواج ویژه بسیجیان و... می تواند در این مورد مؤثر باشد.



منابع

۱. آرگایل، مایکل (۱۳۸۲)؛ روانشناسی شادی، ترجمه مسعود گوهری انارکی، حو دیگران، اصفهان، جهاد دانشگاهی.
۲. آیزنک، مایکل (۱۳۷۵)؛ روانشناسی شادی، ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت، تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر.
3. Argyle, M and Furnham, A (1993). "Source of Satisfaction and Conflict in Long- Term Relationships", *Journal of Marriage and Family*, N. 45, P. 481- 493.
4. Argyle, M and Henderson. M (1985). **the Anatomy of Relationship, Hormones Worth**, UK, penguin.
5. Ellison, C.G and Gay, D.A (1989). **Does Religious Commitment Contribute to Individual Life Satisfaction?**, *Social Forces*, N. 68, P. 100- 123.
6. Hosan, Ron(2003). Education and capital development: capital as dyreble personal, social, economic and political, influences on the happiness of in dividuals edvcation vol 123 P(418-496)
7. Inglenart, r, and j-r.rabeir. (1986), aspersion adapt Situations-Byt why are belongs so much happener Than Prlench? Servey research center univer sity og Michigan.
8. Joseph. S and lewis, C.A (1998). "**The Depression and Validity of a Bipolar Self- Report Scale**", *Journal of Clinical Psychology*, N.78, P. 939-948.
9. Larson, R. W. 1990, The Solitary-Side of Life: an Examination of life, an Examination of the time People Spend Alone from Childhood to ogle. *Developmental review* 10: (155-183).
10. Lewinsohn, P.M and Graf, M (1973). "**Pleasant Activities and Depression**", *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, N. 41, P. 261-268.
11. Polner, M(1989). "**Divine Relations, Social Relations and Well-Being**". *Journal of Health and Social Behavior*, N.930, P. 92- 104
12. Sonstroem, R.J and potts, S.A (1996). "**Life and Adjustment Correlation of Physical Self- Concepts**", *Medicine and Science in Sports and Exercise*, N.28, P.619- 625.
13. Weiss, R.S.(1973). **Loneliness; The Experience of Emotional and Social Isolation**, Cambridge, MA: MIT press.